

بررسی راهکارهای قانونی تامین امنیت کودک در خانواده ناسالم

دکتر پروین اکبرینه¹

چکیده

خانواده سالم، زیر بنای تأمین سلامت جسمی و روانی کودک می باشد. در صورت وجود وضعیت مخاطره آمیز برای کودک در خانواده ناسالم، آسیبهای وارده به کودک غیرقابل جبران خواهد شد. تأمین امنیت کودک یکی از مهمترین اهداف نظام حقوقی داخلی و بین المللی می باشد. بررسی مبانی قانونی در این زمینه، بیانگر تحول قوانین داخلی به منظور نیل به این هدف می باشد. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک مورخ 1989 میلادی و پیمان نامه حقوق کودک و قوانین داخلی، نظیر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مورخ 1381 و قانون حمایت از خانواده مورخ 1391 و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست یا بد سرپرست، راهکارهای قانونی در ایجاد امنیت کودک در خانواده بیان شده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، سؤال اصلی تحقیق مبنی بر نقش قانون در حمایت از کودکان در محیط خانواده ناسالم، مورد بررسی قرار گرفته و خलाهای قانونی و اجرایی تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: خانواده ناسالم، امنیت کودک، آسیب روانی، حمایت از کودک، آزار کودک

¹ - استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، گروه حقوق، اهر، ایران p.akbarineh@yahoo.com

مقدمه

سلامت جسمی و روحی کودک، مستلزم وجود فضای امن در محیط خانواده می باشد. ایجاد وضع مطلوب در خانواده ها و دخالت دولت در تامین امنیت کودک، یکی از مهمترین اهداف قوانین بین المللی و داخلی می باشد. آمار ارائه شده و اخبار منتشره در دنیا بیانگر قربانی شدن کودکان بی گناهی است که در محیط ناامن خانواده ناسالم قرار گرفته ان دو به دلیل ضرب و شتم، توهین، تحقیر، تعرض جسمی و بهره کشی از طریق اجبار به تکدیروی آورده اند و یا به عفت کار در محیط های نامناسب و یا به علت غفلت و بی مبالاتی والدین در مواظبت و تعلیم و تربیت و آزار و اذیت جسمی و روانی، چنین کودکانی در بزرگسالی به افرادی تبدیل می شوند که آثار آسیبهای کودکی در آنان، به شکل افسردگی، ناسازگاری، پرخاشگری، بزهدکاری، تندخویی و تداوم همان رفتارهای خانواده در برابر همسر و کودکان خود تجلی می یابد. تحقیقات علمی در زمینه آمار مربوط به آزار کودکان و اخبار مربوط به شکنجه و یا ضرب و شتم کودکان و یا تعرضات جنسی به کودک که معمولا در محیط بسته خانواده آلوده مورد کتمان قرار می گیرد، مبین این واقعیت است که عوامل مختلف روانی، اقتصادی، اجتماعی در عدم امنیت کودک نقش دارند. مهمترین عامل در شکل گیری چنین وضعیتی، نبود حمایتهای قانونی می باشد. بدیهی است که بدون وجود قانون کارآمدو دخالت ارگانهای عمومی و دولتی، امنیت کودک در خانواده ناسالم تأمین نخواهد شد.

سوال اصلی تحقیق مبتنی بر این امر است که قوانین موجود، چگونه می تواند، برای کودک در محیط خانواده های آلوده امنیت ایجاد کند. بررسی تغییر قوانین داخلی نشان می دهد که قانونگذار، در مسیر همسویی با مقررات بین المللی در زمینه تامین امنیت کودک گام بر می دارد. فرض بر این است که در وضعیت فعلی قوانین داخلی به طور کامل نقش حمایتی از کودکان آسیب دیده و بدسرپرست را ایفا نمی کنند. به موجب ماده واحده مصوب 1372 دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، مصوب نوامبر 1989 میلادی ملحق شده است و وفق ماده 9 قانون مدنی، مفاد کنوانسیون از مقررات لازم الاتباع محسوب می شود ولیکن با توجه به حق شرط پیش بینی شده در کنوانسیون، مقررات آن می تواند در برخی موارد با قوانین داخلی مغایرت داشته باشد (عبادی، 1387، 28). از اهداف دیگر این تحقیق شفاف کردن ابزارهای قانونی حمایت از کودک و بیان نکات ضعف و قوت قوانین داخلی و افزایش شناخت عمومی

برای کلیه اقشار جامعه، بالاخص والدین، در این موضوع می باشد. با لحاظ اهداف و فرضیه های فوق و با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با استناد به قوانین داخلی و بین المللی نحوه حمایت‌های قانونی و راه حل‌های ارائه شده در دو مبحث بررسی می شود. در مبحث اول مصادیق بازر ناامنی کودک در خانواده های ناسالم به استناد مقررات تبیین شده و در مبحث بعدی راهکارهای قانونی حمایتی با لحاظ مفاد لایحه حمایت از کودکان بدسرپرست مصوب 1391¹ مطالعه می شود.

مبحث اول) مصادیق بارز ناامنی کودک در خانواده های ناسالم: وفق ماده 1173 ق.م.ع.م عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی والدین، اعتیاد زیان آور به الکل و مواد مخدر، اشتها به فساد اخلاقی و فحشا، ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشک قانونی، سوءاستفاده از طفل و یا اجبار کودک به ورود به مشاغل ضداخلاقی و تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف از مواردی می باشد که صحت جسمانی و روانی کودک را در معرض خطر قرار می دهد، مصادیق مذکور در قانون، جنبه تمثیلی داشته و دادگاه می تواند با رعایت مصلحت طفل در سایر موارد مشابه که وضعیت خطرناک برای طفل وجود دارد، حضانت طفل را به شخص واجد شرایط قانونی واگذار کند. ملاک دادگاه برای احراز عدم امنیت کودک موارد مشهود و عینی بوده و سایر موارد نظیر ترس کودک از جدایی والدین و متلاشی شدن خانواده و تاثیر مخرب آن بر روان کودک، خارج از شمول ماده فوق می باشد. در واقع کودکان، امنیت را در کنار هم بودن اعضای خانواده به خصوص والدین با هم بدون ترک آنها می داند (ملکی، 1388، 52).

مفهوم امنیت کودک از دیدگاه حقوقی بامفهوم امنیت از دیدگاه روانشناسی و یا سایر حوزه های علمی در برخی از موارد متفاوت می باشد، عدم امنیت مورد نظر قانونگذار احراز وضعیتی است که سلامت جسمی و یا روانی کودک، به دلایل قانونی در محیط خانواده ناسالم به خطر می افتد.

مصادیق عدم امنیت جسمی کودک: وجود کودک آزاری و افزایش کودکان بد سرپرست، یک واقعیت انکار ناپذیر و یکی از مهمترین معضلات اجتماعی می باشد. تکرار ضرب و جرح غیرمتعارف طفل از مصادیق وضعیت مخاطره آمیز جسمی برای

¹- لایحه حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در بهمن 1391 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است ولی به دلیل ایرادات شورای نگهبان لایحه به مجلس عودت داده شده است

کودک محسوب می شود. هر چند که تربیت کودک از تکالیف والدین است، ولی دیدگاه خانواده ها در خصوص تنبیه در راستای تربیت او متفاوت می باشد و در نتیجه ملاکهای تنبیه متفاوت خواهد بود. از دیدگاه برخی، تنبیه شامل خشونت‌های جسمی نمی شود ولی از دیدگاه بسیاری از خانواده های بی فرهنگ، کتک زدن کودک، تنها وسیله تربیت طفل می باشد. در بسیاری از موارد سایر اعضای خانواده به دلیل مشکلات اقتصادی و یا سایر عوامل روانی و یا به دلیل آزارهای دوران کودکی، ضعیف ترین عضو خانواده را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و بدیهی است که چنین کودکانی بایستی توسط مراجع قانونی شناسایی شده و مورد حمایت قرار گیرند. شکنجه، حبس، کتک، ایجاد نقص عضوی، تعرض جنسی از مصادیق بارز عدم ایمنی جسمی کودک می باشد، هر چند که آثار روانی آسیب‌های جسمی در بسیاری از موارد، التیام ناپذیر می باشد.

با توجه به اینکه در قانون مدنی تکرار ضرب و شتم نا متعارف از مواردی است که موجب سلب حضانت می شود و مطابق ماده 2 قانون حمایت از کودک و نوجوانان مصوب 1381 هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمات جسمانی یا روانی و یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است (www.dadkhahi.ir) از دیدگاه قانون، ضرب و شتم متعارف که موجب صدمه جسمی نشود، اشکالی نداشته چنانکه وفق ماده 7 همان قانون، اقدامات تربیتی در چارچوب ماده 59 قانون مجازات اسلامی و ماده 1179 قانون مدنی از شمول این قانون مستثنی است. به نظر می رسد که این مقررّه می تواند موجب بی پروایی والدین خشن و ناسالم شود، مضافاً اینکه تنبیه جسمی کودک به هر علّتی، مغایر با مفاد کنوانسیون حقوق کودک می باشد و با توجه به حق شرط مربوط به کنوانسیون، مقررات مغایر، در حمایت از کودک مورد استناد قرار نمی گیرد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جسمی و روانی، تعرض جنسی به کودک در خانواده آلوده می باشد. عدم تعادل روانی اعضای خانواده، بی بند و بارها، اعتیاد و فساد اخلاقی و فقر فرهنگی و غفلت والدین از کودک، موجب می شوند که خانواده از مکان امن تبدیل به محیط خطرناکی شود که کودک به عنوان موجودی بی دفاع قربانی شود. "برخی از محققان می اندیشند که تابوهای شدیدی که علیه این رفتار وجود دارد مانع گسترده ای است، اما واقعیت چنین نیست، در ایالات متحده امریکا، پژوهش‌های زیادی که از دهه 1970 درباره این امر صورت گرفته فراگیر

بودن این موضوع را تأیید می کند کودکان عقب مانده بیشترین گروه قربانیان سوء استفاده هستند " (ساعد اسدالله، 1392، [www. Asad.saed. Persianblog.ir](http://www.Asad.saed.Persianblog.ir))

با توجه به اینکه افراد کمتر از 18 سال طبق مقررات کنوانسیون حقوق کودک، مشمول مقررات آن می باشند، هر نوع عمل غیراخلاقی با افراد در سنین کمتر از 18 سالگی، تعرض جنسی محسوب می شود، سوء استفاده جنسی در این سنین از مهمترین مصادیق کودک آزاری محسوب می شود، از آنجایی که معمولاً به دلیل ترس کودک آزار دیده، چنین آسیبهایی را پنهان می کند نظیر سایر موارد آسیبهای بدنی مثل ضرب و شتم و شکنجه کودک در اخبار و آمار کودکان آزار دیده، ملاحظه نمی شود. بنابراین اگر شرایط و اوضاع اخلاقی خانواده چنان باشد، که احتمال چنین آسیبی برای کودک وجود داشته باشد، محیط مزبور به عنوان وضعیت مخاطره آمیز تلقی شده و باید تدابیر قانونی در حمایت از کودک اتخاذ شود. هر چند که ملاک احراز خطرناک بودن مطابق با فرهنگ جوامع متفاوت می باشد، لذا برای احراز خطر برای کودک نیاز به ملاکی به عنوان هنجار عادی برای رشد و زندگی داریم و این هنجارها در سطح بین المللی وجود ندارد (عابد خراسانی، 1389، 153) در ماده 3 لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست یا بدسرپرست نیز ملاکهایی برای احراز وضعیتهای خطرناک برای کودک بیان شده است، چنانکه خشونت مستمر والدین، اولیا و سرپرستان قانونی و سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و سوء رفتار نسبت به کودک و نوجوان، از مواردی است که امنیت جسمی کودک را به خطر می اندازد.

عدم امنیت روانی کودک: آسیبهای روانی به کودک، عواقب وخیم تری، نسبت به صدمات جسمی او خواهد داشت، بیان القاب تحقیرآمیز به طفل، عدم توجه عاطفی، مقایسه کردن کودک، سرزنش و خشونت مداوم، استعمال الفاظ مستهجن، تمسخر و فحاشی، تنش و مشاجره والدین در حضور کودک، ترس دایمی کودک از متارکه والدین و یا واهمه ترک شدن، تبعیض بین فرزندان به لحاظ جنسیت، از موارد متداولی است که در خانواده ها به کودک آسیب روحی وارد می کند. ضمن اینکه در صدمات جسمی کودک، نظیر نقص عضو و تعرض جسمی و یا جنسی، آثار زیان بار روانی نیز، ایجاد می شود. تعرض به تمامیت و شخصیت روانی کودکان چه در درون خانواده و چه در درون جامعه از جمله مواردی است که به دلیل نامحسوس بودن و نداشتن آثار خارجی و عادی تلقی نمودن آنها رقم بالایی

دارد (مدنی، زینالی، 1390، 181) به نظر می رسد در قوانین حمایت از کودک در خانواده های ناامن، بیشتر به عدم ایمنی جسمی کودک توجه شده است در صورتی که بدرفتاری با کودک، تحقیر و یا آزار روانی کودک توسط خانواده بی فرهنگ و یا بی بند و بار، پیامدهای منفی بیشتری نسبت به آزارهای جسمی خواهد داشت. باعنایت به بند ب ماده 2 لایحه حمایت از کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست که مقرر شده است، آزار کودک هر گونه فعل یا ترک فعل عمدی است که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی، کودک و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد، از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوء استفاده جنسی، توهین و تهدید نسبت به کودک یا نوجوان یا قرار دادن او در شرایط سخت، بنظر می رسد به هردو جنبه آسیبهای جسمی و روحی کودک توجه شده است، برخی از مواردی که محققین در آسیبهای وارده به روان کودک مطرح کرده اند، از محدوده حمایتی لایحه مذکور خارج می باشد، چنانکه تندخویی زوجین در ارتباط با یکدیگر، می تواند به شخصیت روانی کودک آسیب برساند. در معرض خشونت قرار گرفتن مداوم کودکان در خانه هایشان که به طور معمول در اثر دعوها و مشاجرات والدین است می تواند به شدت بر سلامت کودک ورشد شخصیت و نیز تعامل اجتماعی او در بزرگسالی تاثیر بگذارد. (پیوندی، 1390، 180) موارد فوق مستلزم راهکارهای فرهنگی و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی می باشد، هر چند که در لایحه فوق الذکر، در محیط خانوادگی خشن قرار گرفتن کودک از موارد وضعیت مخاطره آمیز تلقی شده است.

مبحث دوم تدابیر قانونی در تأمین امنیت کودک در خانواده ناسالم: به موجب ماده 19 پیمان نامه جهانی حقوق کودک، کشور های عضو (من جمله دولت جمهوری اسلامی ایران) کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری، سوء رفتار یا بهره کشی از جمله سوء استفاده جنسی در حین مراقبت توسط والدین یا سرپرست قانونی یا هر شخص دیگری که عهده دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند (پیمان نامه جهانی حقوق کودک مصوب 1989 میلادی (www.unicef.org)

تدوین قوانین حمایتی از کودک در سالهای اخیر در حقوق داخلی، در راستای هماهنگی با مقررات بین المللی می باشد. به عنوان مثال به منظور تأمین امنیت روانی

کودک و به علت نیاز عاطفی کودک به مادر در دهه اول زندگی، ماده 1169 قانون مدنی اصلاح شد. به موجب این مصوبه در مواردی که به هر دلیلی والدین، جدازندگی می کنند، برای نگهداری کودک، مادر تا سن 7 سالگی اولویت دارد و بعد از آن با پدر است در تبصره این ماده مقرر شده است که بعد از 7 سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت طفل به تشخیص دادگاه است. در برخی از آرای صادره از محاکم خانواده نیز، ملاحظه می شود که به منظور رعایت مصلحت کودک، حضانت طفل بعد از 7 سالگی به مادر سپرده شده است. به عنوان نمونه در جشنواره آرای منتخب قضات کشور به مناسبت روز جهانی کودک و سالروز تصویب پیمان نامه حقوق کودک، آرای صادره از شعبه 23 دادگاه حقوقی تبریز و شعبه 1 تهران به این دلیل، به عنوان آرای برتر انتخاب شده اند که حضانت طفل 8 ساله به استناد مفاد ماده 1173 و 1169 قانون مدنی و کنوانسیون حقوق کودک برای رعایت مصلحت کودک به مادر داده شده است. (www.FARS NEWS.ir) به منظور یکنواخت کردن حقوق داخلی در این زمینه با اصول کنوانسیون، قانون حمایت از کودک و نوجوان مورخ 1381 به تصویب رسیده و مهمترین تحول قانونی، تصویب لایحه حمایت از کودکان بد سرپرست یا بد سرپرست در بهمن ماه 1391 در مجلس می باشد که در صورت تایید شورای نگهبان و نشر در روزنامه رسمی کشور لازم الاجرا خواهد شد. با لحاظ قوانین فوق الذکر مخصوصاً کنوانسیون تدابیر حمایتی به شرح ذیل می باشد.

سلب حضانت، ولایت، قیمومیت، سرپرستی: مطابق مفاد ماده 1173 قانون مدنی در صورت احراز شرایط مخاطره آمیز برای کودک نظیر تکرار ضرب و جرح نامتعارف کودک، محکمه می تواند، حضانت را سلب نماید و به شخص واجد شرایط واگذار کند و وفق ماده 46 لایحه حمایت از کودکان بدسرپرست، یکی از راهکارهای قانونی در حمایت از چنین کودکی، سلب حق ملاقات، حضانت، ولایت، قیمومیت، وصایت و سرپرستی کودک و نوجوان می باشد. بر اساس ماده 50 لایحه مذکور، در تمام تدابیر و اقدامات حمایتی موضوع این قانون، اولویت با اقداماتی است که منجر به خروج کودک از محیط خانواده نشود. این موضوع در ماده 41 قانون حمایت از خانواده مصوب 1391/1/21 نیز پیش بینی شده است، به موجب مفاد ماده مزبور اگر دادگاه تشخیص دهد، توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل، برخلاف مصلحت اوست، یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع

ملاقات طفل تحت حضانت یا اشخاص ذیحق شود، می تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با رعایت مصلحت طف ، تصمیم مقتضی اتخاذ کند، وفق ماده 45 همان قانون رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاهها و مقامات اجرایی الزامی است (روزنامه رسمی مورخ 1392/1/22 شماره ویژه نامه 562) موارد احصای شده در ماده 1173 قانون مدنی جنبه تمثیلی داشته و در صورت تحقق آن موارد اتخاذ تصمیم دادگاه ممکن است با ملاحظه وضعیت والدین فرق کند، چنان چه طریق منحصر در حفظ جان طفل به گرفتن او از والدین باشد و دارایی آنها هم کافی برای سپردن و تامین مخارج او نباشد، از نظر عدهای از حقوق دانان، حاکم باید از بیت المال آن را تامین کند (حائری، 1376 ، 1039).

در لایحه پیش بینی شده است که در صورت اثبات صلاحیت والدین واقعی طفل، امکان فسخ حکم سرپرستی و اعاده کودک به خانواده واقعی وجود دارد. از دیگر مواردی که موجب سلب حضانت می شود، جنون فردی است که طفل تحت حضانت او می باشد و با زایل شدن جنون، شخص مذکور می تواند حق حضانت خود را اعمال کند، عده ایی از استادان حقوق، معتقدند که حق حضانت از حقوق طبیعی والدین واقعی کودک است و قابل سلب نیست، بلکه جنون و یا سایر موارد موجب سلب حضانت، مانعی است که از اعمال حق جلوگیری می کند و هر زمان این مانع زایل شود پدر یا مادر می تواند حق خود را اعمال کند (صفایی، امامی، 1374، 124) در آرای دادگاهها نیز مشاهده می شود در کلیه مواردی که به دلیل عدم صلاحیت والدین، حضانت طفل از ذیحق سلب شده است، تا زمانی که برای دادگاه احراز نشده است که وضعیت خطرناک از بین رفته است، حکم حضانت صادر نمی شود، یکی از دلایل نقض آرای دادگاهها نیز توسط دیوان عالی کشور، عدم توجه به این نکته می باشد. به موجب رای صادره از دیوان عالی کشور با این استدلال که "تا زمانی که مفسده کاملاً رفع نگردیده است و مفسده موجود می باشد، استرداد طفل صحیح نیست، رای دادگاه خانواده مبنی بر استرداد طفل به شخصی که پرونده های کیفری داشته، نقض شده است" (بازگیر، 1379، 146) بنابراین یکی از مبانی مهم قانون گذاری در تامین امنیت کودک در خانواده در وهله نخست، تدوین مقرراتی است که کودک را از عشق و عاطفه خانواده اصلی جدا نکند، ولی در صورتی که کودک مصون از آسیب نباشد نظارت دولت احساس می شود "حق والدین به فرزند مانند حق مالک بر اموال نیست، جامعه نیز حق دارد از کودک در برابر خانواده

ناسالم حمایت کند چرا که ولایت داده شده به بزرگان خانواده صرفاً برای حمایت از طفل و حفظ مصالح اوست، ولی دادگاه نباید به این بهانه که بهتر مصالح طفل تامین می شود، اختیار پدر و مادر را از آنان بگیرد (کاتوزیان، 1378، 132).

ایجاد مسؤولیت کیفری: علاوه بر تدابیر حقوقی قانون گذار به منظور مقابله و پیشگیری از آزار و اذیت کودک در ماده 2 قانون حمایت از کودک و نوجوانان مورخ 1381 هر نوع آزار و اذیت که موجب شود به کودک صدمه جسمی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع اعلام کرده است و وفق ماده 4 همان قانون، مرتکبین، به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد و در ماده 4 نیز تصریح شده است که کودک آزاری از جرایم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد. آرائی متعددی مبنی بر مجازات حبس برای والدینی که مرتکب کودک آزاری می شوند، صادر شده است، به عنوان مثال به موجب دادنامه صادره از شعبه 1184 دادگاه عمومی تهران ویژه رسیدگی به جرایم اطفال به لحاظ پرونده موضوع کودک آزاری، پدر به استناد، ماده چهار قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و مواد 47 و 614 قانون مجازات اسلامی و ماده 37 پیمان نامه حقوق کودک پدر را به تحمل 3 سال حبس و پرداخت دیه محکوم کرده است. یکی از مشکلاتی که در زمینه این گونه دعوی وجود دارد، عدم حضور مددکاران اجتماعی در جریان رسیدگی به پرونده های کودکان آسیب دیده و بد سرپرست است مضافاً این که در چنین مواردی، پس از صدور حکم محکومیت، به موجب قوانین موجود کودک مورد ضرب و شتم قرار گرفته، دوباره در همان محیط خانواده ناامن قرار می گیرد، در صورتی که دخالت نهادهای دولتی یا عمومی ذیصلاح، در حمایت از چنین کودکی ضروری است، ولی طبق قوانین موجود، سازمان بهزیستی و سایر ارگان های ذیربط از چنین اختیارات وسیع قانونی برخوردار نیستند. البته در صورت قابلیت اجرایی و تایید مصوبه حمایت از کودکان بدسرپرست مشکلات این قشر از کودکان تا حدودی رفع خواهد شد. از دیدگاه مصوبه فوق دعوی کودک آزاری یک دعوی عمومی بوده و "حضور و دخالت در امر اطلاع رسانی و حمایت روانی از بزه دیده جهت زدودن خسارات، آلام و آسیب های وارده از طریق تعقیب، تحقیق و رسیدگی و در نهایت اجرای حکم و جریان فرایند فوق یا توقف آن به سلوک مشارکتی شهروندان و تحقق رضایت خاطر بزه دیده بستگی دارد" (شاکری گلپایگانی، 1384، 151).

جداکردن کودک از خانواده نا سالم: تا قبل از لایحه حمایت از کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست، قوانین داخلی صرفاً در زمینه سپردن سرپرستی کودکان بی سرپرست به خانواده متقاضی و صالح، تعیین تکلیف کرده بود، ولی در لایحه مذکور مقرر شده است که در صورت احراز و اثبات شرایط مخاطره آمیز خانواده برای دادگاه و عدم صلاحیت والدین، دادگاه می تواند از طریق سازمان بهزیستی، سرپرستی کودک را به خانواده دیگر بدهد، در واقع خلع ید از خانواده فاقد صلاحیت، از ابتکارات لایحه فوق الذکر می باشد هر چند که بنظر نگارنده، ناامن ترین خانواده واقعی کودک از نظر روانی برای کودک امن تر از هر جای دیگر است.

"نگرش و رویکرد یونیسف ایجاد محیطی حامی است که در آن دختران و پسران رها از هرگونه خشونت، بهره کشی و جدایی غیرضروری از خانواده قرار دارند، قوانین و خدمات رفتارها و رویه ها باید آسیب پذیری کودکان را به حد اقل برساند" (راهبرد یونیسف در زمینه حمایت از کودک، 1392 www.unicef.ir) جداکردن کودک از سرپرستان بد، موضوع جدیدی است که در حقوق داخلی مطرح شده است، اهمیت تأمین امنیت کودکان بد سرپرست، در مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه فوق، مشاهده می شود. افشاگری ها و آگاهی بخشی رسانه های گروهی در سال های اخیر، در زمینه کودک آزاری نمایندگان را به فکر چاره جویی و تصویب قانونی در راستای حمایت از کودک داشته است (زینالی، 1382، 59-92).

در ماده 10 همان لایحه مقرر شده است که در کلیه مواردی که هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری، صلاحیت سرپرستی ولو با ضم امین یا ناظر نداشته باشد، دادگاه می تواند مطابق این قانون و با رعایت مواد 1184 و یا 1187 ق.م و با اخذ نظر مشورتی سازمان بهزیستی، مسؤولیت قیّم یا امین مذکور را در این موارد را به یکی از درخواست کنندگان سرپرستی واگذار کند. بر اساس تبصره همان ماده چنان چه پدر یا مادر یا جد پدری کودک یا نوجوان مراجعه کند دادگاه در صورتی که آنان را واجد صلاحیت تشخیص دهد و مفسده مهمی نیز کودک و نوجوان را تهدید نکند، با اخذ نظر سازمان، نسبت به استرداد کودک حکم صادر می کنند، در غیر این صورت حکم سرپرستی ابقا می شود.

بنظر می رسد، ایرادی که در این مصوبه جدید وجود دارد عدم تأمین روانی و عاطفی کودک می باشد، به عبارتی در صورتی که برای خانواده واقعی کودک، امکان

استرداد طفل پس از سپردن کودک به خانواده دیگر در هر مقطع زمانی وجود داشته باشد و همچنین در صورت قید نام والدین واقعی در شناسنامه جدید این کودکان، به دلیل واهمه خانواده های متقاضی سرپرستی از استرداد فرزند خوانده توسط والدین واقعی، پس از ایجاد رابطه عاطفی بین خانواده جدید و کودک مزبور، چنین خانواده هایی برای سرپرستی کودکان بدسرپرست، تمایلی نخواهند داشت و این کودکان با ترک محیط خانواده های واقعی ناسالم اجباراً در محیط های عمومی و خوابگاه های مخصوص که فاقد هر گونه فضای آرام بخش خانوادگی می باشد، زندگی خواهند نمود، هرچند که قانون در این موارد می تواند جسم کودک را از خشونت، شکنجه و ضرب و شتم مصون کند، ولی آسیب های روحی این کودکان در محیط های عمومی کمتر از محیط ناامن خانواده واقعی نخواهد بود، به همین دلیل است که در مقررات بین المللی نیز تاکید شده است که حتی المقدور کودک از خانواده واقعی جدا نشود، مگر این که راه حل دیگری وجود نداشته باشد. وفق ماده 9 کنوانسیون حمایت از کودک، کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می نمایند که کودکان علی رغم خواسته شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذیصلاح مطابق قوانین و مقررات و بررسی های قضایی مصمم شوند که این جدایی، به نفع کودک است.

در صورتی که در راستای حمایت از کودک حکم به جدایی کودک از خانواده واقعی اش صادر شود دولت های عضو کنوانسیون (از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران) متعهد شده اند که حمایت های ویژه ای را از این کودک بنمایند، کنوانسیون در ماده 20 خود در سه بند نحوه حمایت از کودک در دوران جدایی را بدین شرح بیان میکند:

الف) کودک جدا شده از این خانواده به طور موقت یا دائم حق استفاده از کمک ها و حمایت های ویژه حکومتی را دارد، ب) حکومت ها بر پایه حقوق جاری و قوانین داخلی خود، اشکال مختلف کمک به چنین کودکی را به کار می گیرند، ج) قبول کفالت یا فرزند خواندگی کودک از طرف اشخاص دارای صلاحیت شکلی از سرپرستی و مواظبت از کودک است، در این زمینه باید به ریشه ها و نیازهای فرهنگی مذهبی و قومی کودک توجه کرده و تربیت و پرورش بدون انقطاع کودک را تامین نماید (حسنی، 1388، 96).

افزایش اختیارات قانونی نهادهای حمایتی: یکی از ایراداتی که در قوانین داخلی وجود دارد، محدودیت اختیارات قانونی نهادهای عمومی و دولتی در تامین امنیت کودک در محیط خانواده مخاطره آمیزی باشد. بدیهی است که کودک آزار دیده، قدرت جسمی

و عقلی مقابله با عوامل آزار دهنده را در محیط خانواده ندارد و سایر اعضای جامعه نیز با این تفکر که رابطه کودک و خانواده اش، یک رابطه خصوصی بوده و دیگران حق مداخله در این رابطه را ندارند، بندرت وضعیت چنین کودکانی را به مراجع ذیصلاح گزارش می کنند. معمولاً دادستان هنگامی وارد عمل می شود که دیگران این حمایت را تقاضا کنند و از آنجا که طرف دعوی و یا مخاطب او در قوانین حمایتی از کودک غالباً والدین و سرپرستان قانونی کودک می باشد و این ناقض فلسفه وجودی این حمایت است (سادات اسدی، 1389، www.ensani.ir). هرچند که وفق ماده 6 قانون حمایت از کودک و نوجوان مورخ 1381 مردم می توانند، در صورت مشاهده موارد کودک آزاری، مراتب را به واحد بهداشت خانواده گزارش کنند ولی به دلایلی که ذکر شد اکثر افراد جامعه برای احتراز از مشکلات آتی، انگیزه ای برای اعلام وضعیت مخاطره آمیز کودکان را ندارند. علی رغم تکلیف مؤسسات سرپرستی کودکان به گزارش موارد کودک آزاری امکانات اجرایی لازم برای این ارگانها وجود ندارد و صرفاً موارد کاملاً مشهود به مراجع قضایی اطلاع داده می شود. ابزارهای قانونی برای مداخله نهادهای عمومی و دولتی در ماده 2 لایحه حمایت از کودکان بدسرپرست مشخص شده است. لزوم مداخله فوری قضایی، ارائه مشاوره، تکلیف مراکز درمانی جهت گزارش کودکان مصدوم به بهزیستی، لزوم گزارش مراکز درمانی در خصوص کودکان مصدوم به مراجع قانونی، دخالت سایر نهادهای دولتی و عمومی نظیر شهرداریها و دهیاریها، جهت تشخیص و شناسایی و حمایت از کودکان آزار دیده، از مواردی است که در لایحه برای حمایت از کودکان مذکور پیش بینی شده است. در حال حاضر علاوه بر سازمانهای دولتی مسؤول نظیر سازمان بهزیستی، سازمان مستقل و غیر دولتی تحت عنوان انجمن حمایت از حقوق کودک (NGO) وجود دارد که از سال 1373 در خصوص حمایت از کودکان و پیشگیری از ورود آسیب به کودکان فعالیت می نماید www.aparat.com. تشکیل دفاتر خدمات حمایت از کودکان، از دیگر راهکارهای قانونی در تامین امنیت کودک می باشد. ابزارهای قانونی هرچند که مترقی و منطبق با مقررات بین المللی تحول یابد، تازمانی که علل اصلی ناامنی کودک در محیط خانواده رفع نشود راهکارهای قانونی صرفاً مبارزه با معلول خواهد بود. تا زمانی که علل اصلی عدم ایمنی کودک نظیر فقر اقتصادی و یا فرهنگی و یا بیماریها و اختلالات روانی و سایر ریشه های ایجاد وضعیت خطرناک برای کودک از بین نرود، دخالت قانونی تاثیر اندکی در تامین امنیت کودک خواهد داشت، علی رغم

اینکه غفلت والدین از تربیت کودک نیز از موجبات تباهی آینده کودک می باشد ولی "برای مسامحه والدین در خصوص تربیت عمومی، ضمانت اجرایی حقوقی پیش بینی نشده است و در مورد تعلیمات خاص نظیر تحصیل، وسواد آمیزی اطفال و تعلیم اجباری، با وجود پیش بینی جزای نقدی و مجازات حبس، اجرای مجازات جدی تلقی نشده است" (صفایی، امامی، 1380، 370).

خطرات استفاده از وسایل ارتباط جمعی و اینترنت توسط کودک بدون نظارت والدین غیرقابل انکار می باشد، ولی این موارد خارج از حیطه قانون در ایجاد فضای امن برای کودک خواهد بود. ضروری است که در تمامی مراکز آموزشی در سنین مختلف با استفاده از ابزارهای مناسب آموزشی مصادیق وضعیت خطرناک و نحوه مقابله با این وضعیت برای کودکان آموزش داده شود، تا علاوه بر مصونیت، کودکان امروز به عنوان والدین فردا ضمن آشنایی با نحوه ایجاد فضای امن در خانواده به سر پرستان بد آینده تبدیل نشوند. دخالت کلیه نهادهای قانونی در از بین بردن عوامل مخاطره آمیز در خانواده می تواند، در تقلیل آزارهای جسمی و روانی کودک نقش مهمی را ایفا کند.

بحث و نتایج

بررسی نقش قانون در ایجاد امنیت کودک، نشانگر سیاست قانون گذاری در سالهای اخیر برای نزدیکی به مقررات بین المللی در این زمینه می باشد. با تحقیق در حقوق داخلی و مطالعه راهکارهای قانونی برای مصونیت کودک از آسیبهای جسمی و روانی در خانواده های ناامن، نتایج ذیل حاصل شد:

1- تأمین امنیت کودک در خانواده ناسالم یکی از مهمترین مسایل بین المللی و داخلی می باشد، به طوری که اهمیت موضوع در اعلامیه های متعدد حقوق بشر سازمان ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است. اکثریت کشورها منجمله دولت جمهوری اسلامی ایران، پیمان نامه حقوق کودک را امضای و به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده اند، به طوری که تامین امنیت کودک یکی از اولویتهای مهم جهانی محسوب شده و به دلیل ارتباط موضوع به نظم عمومی، مداخله دولتها ی عضو در حفظ منافع و مصلحت کودک بالاخص از طریق وضع قوانین حمایتی مورد تأکید قرار گرفته است.

2- در حقوق داخلی، به منظور ایجاد مقررات متحدالشکل و اتخاذ رویه بین المللی در خصوص ایجاد محیط امن در خانواده تدابیری قانونی اتخاذ شده است، ولی تا سال 1381 مقررات جامعی تحت عنوان حمایت از کودک وجود نداشت. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوان مصوب 1381 و قانون حمایت از خانواده مصوب 1391 از جهات قانونی گامی در جهت تامین امنیت کودک برداشته شده است، ولیکن قوانین موجود نمی تواند از کودکی که در محیط ناسالم و مخاطره آمیز قرار دارد، بطور کامل حمایت کند، مصوبه اخیر مجلس در سال 1391 در خصوص حمایت از کودکان بدسرپرست هر چند که هنوز به تأیید شورای نگهبان نرسیده است ولی با تأیید و لازم الاجرا شدن اولین مقررّه ای خواهد بود که نهادهای دولتی و عمومی را مکلف به شناسایی کودکان بدسرپرست نموده و به محاکم خانواده این اختیار قانونی داده شده است که عنداللزوم در صورت اثبات وضعیت مخاطره آمیز کودک در خانواده واقعی از آنان سلب صلاحیت شده و سرپرستی کودک به خانواده سالم غیر از خانواده واقعی سپرده شود.

3- به نظر می رسد لایحه حمایت از کودکان بدسرپرست نیز نخواهد توانست امنیت کودک را از لحاظ روانی و عاطفی تامین نماید. با توجه امکان اعاده کودک به خانواده واقعی در این لایحه و ضرورت درج اسامی والدین واقعی در شناسنامه کودک، به دلیل واهمه خانواده هایی که سرپرستی این کودکان را می پذیرند، از جداشدن از کودک پس از ایجاد وابستگیهای عاطفی، تمایل خانواده ها به سرپرستی این کودکان کمتر از کودکان بی سرپرست خواهد بود و در نتیجه کودک در محیطی غیر از محیط خانواده رشد خواهد کرد و این امر پیامدهای منفی در زندگی او خواهد داشت.

پیشنهاد می شود قانونگذار در مورد کودکان بدسرپرست تدابیری اتخاذ کند که سرپرستی آنان توسط خانواده های واجد شرایط و سالم تسهیل شود، با عنایت به اینکه، قوانین حمایتی و دخالت ارگانهای عمومی و دولتی هر چند هم کارآمد و موثر باشد، در صورت عدم آگاهی خانواده ها از حقوق کودک و نحوه حمایت از او و ایجاد فضای امن برای رشد کودک، بستر لازم برای اجرای قانون ایجاد نخواهد شد. پیشنهاد می شود حقوق کودک و شرایط ناامن و خطرناک برای کودک و خانواده ها آموزش داده شود.

افزایش دانش خانواده ها در مورد تبعات قانونی آزار کودک از طریق نهادهای آموزشی و وسایل ارتباط جمعی، می تواند نقش مهمی در تامین امنیت کودک ایفاء کند. ناامنی جسمی و روانی کودک، معضلی نیست که با اوامر و یا نواهی قانونی، قابل حل باشد. کودک و نوجوان لاقفل در مراکز آموزشی بایدحقوق خود و مفهوم و عوامل عدم امنیت را یاد بگیرد، تابواند در بزرگسالی برای کودکان خود مصونیت لازم را در خانواده بوجود آورد.

منابع:

- بازگیر، یدالله، علل نقض آرای محاکم در موضوعات احوال شخصیه و مدنی در دیوان عالی کشور (1379)، انتشارات دانش نگار، چاپ دوم، تهران، ص 146
- پژوهشگران حوزه حقوق کودک، 1388، حقوق کودک، چاپ اول، تهران، ص 11
- پیوندی، غلامرضا (1390)، حقوق کودک، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ص 180
- حائری، (شاهباغ) شرح قانون مدنی، جلد دوم (1376)، چاپ اول، گنج دانش، تهران، ص 1039
- حسنی، علیرضا (1388)، حضانت کودک، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان چاپ اول، دامغان ص 96
- شاکری گلپایگانی، طوبی (1384)، بررسی خلائهای قانونی حقوق کودک (2)، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ص 151
- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله (1380)، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهارم، نشر دادگستر، ص 370
- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله (1374)، حقوق خانواده، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، صص 124
- عابد خراسانی، محمدرضا (1389)، درآمدی بر حقوق کودک، چاپ اول نشر میزان، تهران، ص 153
- عبادی، شیرین (1387)، حقوق کودک، چاپ هفتم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران ص 28
- کاتوزیان ناصر (1378)، حقوق خانواده جلد دوم، شرکت انتشار، چاپ پنجم، تهران، صص 130-132
- مدنی، سعید، زینالی، امیر حمزه (1390)، آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ص 181
- ملکی، حسن (1388)، آشنایی با حقوق کودکان، در ایران، چاپ اول، ناشر ایبیز، ص 52
- زینالی، حمزه (1382)، نوآوریهای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مجله رفاه اجتماعی، شماره 7، صص 59-92
- پیمان نامه حقوق کودک، مصوبه نوامبر 1989 میلادی
- قانون مدنی
- قانون حمایت از کودک و نوجوانان مصوب 1381

- قانون حمایت از خانواده مصوب 1391/1/21 (روزنامه رسمی مورخ 1392/1/22 شماره ویژه نامه 562)
- کنوانسیون حقوق کودک، نوامبر 1989 میلادی
- لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست یا بد سرپرست مصوبه 1391
- ماده واحده الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، مصوبه 1372
- جشنواره آرای منتخب قضات، www.FARSNEWS.ir 1391/11/20
- ساعد اسدالله (1392)، جرم انگاری کودک آزاری جنسی در قوانین کیفری ایران، www.asad saed,persianblog.ir
- سادات اسدی، لیبلا (1389)، حمایت دادستان از کودک در خانواده، www.ensani.ir
- مصطفایی، محمد (1389)، نقش و جایگاه مفاد کنوانسیون حقوق کودک در قوانین موضوعه ایران www.lawtoday.ir
- معرفی انجمن حمایت از حقوق کودک (NGO) 1392، www.aparat.com

